

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (خواننده پاپ) معتقد است: هم‌سلان او مورد توجه مسئولان نیستند و عملاً حمایتی از آنها وجود ندارد. او می‌گوید: مناسفانه مرگ هم‌سلان من برای مسئولان تلنگر نیست و حسین زمان هم نه به دلیل سرطان بلکه به دلیل هفده سال کار نکردن جانش را داد.

به گزارش ایلنا، موسیقی پژوهان و هنرمندان معاصر بارها دهه پنجاه را عصر طلایی موسیقی پاپ دانسته‌اند. خوانندگان و آهنگسازان معدودی در دهه شصت به به قوانین آن دوران تن دادند و آثاری را در قالب سرودهای مناسبتی و قطعا غیر عاشقانه مرسوم آن دوران ساختند و منتشر کردند. در دهه هفتاد اما شرایط متفاوت بود. موسیقی پاپ عملاً مجوز فعالیت دریافت کرد و در ادامه بود که آهنگسازانی چون پایک بیات و دیگران به ساختن آثار «پاپ کلاسیک» پرداختند و شاگردانی را تعلیم دادند. همزمان مرکز موسیقی صدا و سیما که نسبت به آن ساز و کاری متفاوت و درست داشت نیز از همان خوانندگان جوان، افرادی را انتخاب کرد و اینگونه بود که موسیقی پاپ کلاسیک دوباره پر رنگ شد. در این دوران فریدون شهیازان و علی معلم دامغانی مرکز موسیقی صدا و سیما را مدیریت و اداره می‌کردند.

«پاپ کلاسیک» که بهترین‌ها شایخ پاپ محسوب می‌شود و این روزها مورد توجه نیست، به گونه‌ای اطلاق می‌شود که موسیقی‌اش را از کستری با سازهای مختلف و متعدد اجرا می‌کند. این نوع موسیقی امروز به دلیل وجود نوازفزارهای کامپیوتری و سمپل‌های مختلف دیگر- مورد توجه تهیه‌کنندگان نیست چون هزینه بسیار دربر دارد. پروانندگان مطرح نیز اغلب در سیطره تهیه‌کنندگان هستند و اینکه آنها با کدام نوازندگان همکاری کنند، تصمیمی است که در حیطه اختیارآنانست نیست. اما در دهه هفتاد بر اساس همان روند دقیق‌تر خوانندگانی با هر عرصه حرفه‌ای گذاشتند که نامشان هنوز در اذهان باقی مانده است. قاسم افشار، خشایار اعتمادی، حمید غلامعلی، مهرداد شهبسوز زاده، یساور اقتداری، علی کریمی، امیر تاجیک و البته زنده‌یاد حسین زمان خوانندگانی بودند که در دهه هفتاد و هشتاد برای موسیقی پاپ تلاش و آثار متعددی در قالب آلبوم منتشر نمودند.

می‌توان گفت آخرین اتفاق برای نسل پاپ‌خوان‌های دهه هفتاد درگذشت حسین زمان است. او طی چند دهه مصائب بسیاری را تحمل کرد و پس از هفده سال سکوت و توقف کاری؛ سوم مرداده‌ماه سال نود و هشت اواین و تنها کنسرت خود را برگزار کرد. او در ادامه و در چهار سال آخر عمر به تولید چند تک‌آهنگ با هزینه شخصی بسنده کرد.

درگذشت حسین زمان بهانه‌ای شد برای گفتگو با یکی از خوانندگان پاپ دهه هفتاد و هشتاد. قاسم افشار طی چند دهه فعالیت چند آلبوم روانه موسیقی کرده و در برخی دیگر از آلبوم‌ها، در کنار دیگر خوانندگان هم‌نسلش قطعاتی خوانده است. او در مقطعی با صدا و سیما همکاری‌های جدی داشته اما امروز نسبت به رسانه ملی و نحوه پرداختن به موسیقی انتقاد دارد. قاسم افشار طی گفتگو با ایلنا ضمن توضیح چگونگی فعالیت‌های اخیر خود از نسلی گفت که برای موسیقی پاپ زحمات کشیده‌اند.

به نظر می‌رسد نسبت به یکی، دو سال گذشته کم‌کارتر شده‌اید و اثری تولید نکرده‌اید. آخرین اثرتان تک‌آهنگ «فتاش» بود؛ آیا همینطور است؟
طی این مدت به طور کم و بیش و تا آنجا که امکان داشته، فعالیت‌هایم را ادامه داده‌ام. تک‌آهنگی را هم با مجوز ارشاد منتشر کرده‌ام که «ماه و بارون» نام دارد. ترانه‌سرای این اثر پایک صحرایی است و امیرعباس حسن‌زاده آهنگسازی آن را به عهده داشته است. این اثر محتوایی اجتماعی و سیاسی دارد.

از شهرپورماه سال گذشته تا پایان سال ۱۴۰۱، موسیقی وضعیت‌ی نیمه‌تعطیل داشت، طی آن چند ماهه و البته در دوماه آغازین سال جدید چه فعالیت‌هایی داشته‌اید؟

آن شش، هفت ماه می‌توانست پرکارترین مقطع کاری من باشد. واقعاً در طول این بیست و هشت سالی که مشغول فعالیت رسمی هستم به اندازه آن شش، هفت ماه پیشنهاد کار نداشتم. اما خب آنها را نپذیرفتم. اتفاقاً عدد و رقم‌های خوبی هم پیشنهاد می‌دادند. به آنها می‌گفتم مگر این عدد و رقم‌ها چقدر اهمیت دارد که



نام «ابن سینا»، «مولانا» و «نظامی گنجوی» دست‌کم یک بار به گوش هر ایرانی خورده است؛ مفاهری از ایران‌زمین که نشان ایرانی بودن در تمام آثار آن‌ها هویداست. با این وجود کشورهای همسایه بارها تلاش کرده‌اند با تصاحب هویت این مشاهیر، نام خود را در کنار آن‌ها قرار دهند. اما پرسش این است ایران در حفظ و صیانت از هویت و جایگاه این مفاخر در جهان چقدر کوشا بوده است؟ به گزارش ایسنا، بحث صیانت از مشاهیر و مفاخر ایرانی سال‌ها مطرح بوده؛ چراکه بارها شاهد بودیم کشورهای زیادی سعی داشتند مشاهیر ایرانی را به تصاحب خود

قاسم افشار:

نسل من و حسین زمان هنوز زنده است، ما را دریابید

طلبی از کسی نداریم فقط به ما اجازه کار بدهند



پیشنهادات بالایی به من می‌دهید؟

حرفم هم این بود که حال دلم خوب نیست؛ دستم به کار نمی‌رفت و نمی‌توانستم کار کنم. اگر مردم خوب نباشند، هنرمند هم حال خوبی نخواهد داشت و نمی‌تواند کار کند. خب من هم جزئی از مردم هستم. در مقابل زمانی که مردم حال خوبی نداشته باشند حال من هنرمند هم خوب خواهد بود و می‌توانم کار کنم. به تک‌آهنگ «ماه و بارون» بسپنده کردم. یک اثر دیگر هم دارم که قبلاً ضبط شده و فکر می‌کنم تا دو، سه هفته دیگر، یعنی تا پیش از فرارسیدن ماه محرم و صفر، منتشر شود.

هداروی است حسین زمان که هم‌نسل شماست، یادش بخیر! شما هم در دهه هفتاد را از دست می‌دهیم.

خدا آقای حسین زمان را بیامزد. اما به نظر من درگذشت او دیگر همنسل‌اش هشار محسوب نمی‌شود. زنده‌یاد زمان مردی بسیار مودب، شریف و صبور بود. او را واقعاً هنرمندی مردمی می‌دانم. اینکه می‌گویم او مردمی بود منظورم به معنی واقعی کلمه است. این را هم باید در نظر داشته باشیم که موسیقی «پاپ» موسیقی مردمی است و هنرمندان باید به این مردمی بودن این سبک توجه داشته باشند. حسین زمان به این موضوع توجه داشت. ایشان از دید من خواننده‌ای محبوب است. من رفاقت آنچنانی با آقای زمان نداشتم که بخواهم به دلیل جای خالی‌اش، از او تعریف کنم. اما او هم‌نسل من است و دنبال‌ش می‌کردم. البته دو آلبوم اثر مشترک داریم. نه اینکه ما هم خواننده باشیم، اما قطعاتی از ما در یک آلبوم منتشر شده بود.

تولید آلبوم‌های مشترک ششامل قطعات چند خواننده در اواخر دهه هفتاد و اوائل دهه هشتاد باب بود. کم پیش می‌آمد که خوانندگان دو صدایی بخوانند یا به اصطلاح امروزی‌ها با هم «فیت» دهند.

قاسم افشار

حسین زمان نزدیک دو دهه ممنوع‌الکار بود.

به هرحال حسین زمان هنرمندی صبور و مردمی بود. اینکه او به مدت هفده سال ممنوع‌الکار بود، من نامش را بی‌معرفتی می‌گذارم. اینکه خواننده‌ای را هفده سال از تولید و اجرا دور نگاه داریم عملی به دور از اخلاق است. این زمان طولانی کار نکردن قطعا به هنرمند آسیب‌های جدی می‌زند. مثل این است که شما به مدت هفده سال شغل یک نفر را از او بگیرید! اگر این‌ کار را انجام دهید چه اتفاقی برای آن فرد می‌افتد؟ مطمئناً با این ممنوعیت طولانی نابود می‌شود. حال می‌گویند حسین زمان به دلیل ابتلا به سرطان کبد فوت کرده است. به نظر من دلیل درگذشت حسین زمان ممنوع‌الکاری طولانی مدتی بود که در نهایت به سرطان منجر شد و جانش را گرفت. بی‌شک ممنوع‌الکاری یا هر اتفاق مشابه هنرمند را دچار افسردگی می‌کند. زمانی هم که فرد افسرده شود تمام بیماری‌ها به سراغش می‌آیند.

اینکه آیا فوت هنرمندان می‌تواند هشار باشد؛ خیر، درگذشت هنرمندان نمی‌تواند تلنگری برای مسئولان باشد. من می‌گویم اصلاً اگر موسیقی را کنار بگذاریم، من و هنرمندان همنسلم طلبی از کسی نداریم.

ما را دریابید

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

داد. آقای الهیاری هم روی این موضوع تاکید داشت. ایشان در دوران کرونا باعث شدد در یکی از جشنواره‌ها اجرا داشته باشم. خودشان هم حضور داشتند. اینکه یک مدیر به امور اجرایی و برنامه‌های هنری توجه داشته باشد و در آن حضور یابد اتفاق خوبی است. در همان زمان به مزاح گفتم دکتر سالن خالی به ما داده‌اند! آیا اگر سالن مملو از جمعیت بود آن را در اختیار ما می‌گذاشتید؟! به هرحال از ایشان ممنونم. این را هم بگویم که هیچ بده بستانی میان من و آقای الهیاری و دفتر موسیقی وجود ندارد و طی جلساتی که داشتیم منوجه شدم ایشان دلشان برای موسیقی می‌سوزد و خب موسیقی ما هم دل‌سوز می‌خواهد. به هرحال درب دفتر ایشان روی هنرمندان باز است. یک مدیر باید اینگونه باشد و سوالی را از سوی هنرمندان بی پاسخ نگذارد و به خواسته‌ها اهمیت دهد. من ایشان را در بخش مدیریت قبول دارم و برایم بسیار قابل احترامند

گفتید یکی از رخدادهای مفید ایجاد سیاست‌های کلی است. این سیاست‌های کلی بخش‌های مهم متعددی دارد. مثلاً صدا و سیما یکی از بخش‌های مهمی است که می‌تواند موسیقی را مورد حمایت قرار دهد. اما شما در گفتگوی‌بی که حدود سه سال پیش با ایلنا داشتید، تلویزیون را مورد انتقاد قرار دادید.

همچنان به عملکرد تلویزیون نسبت به موسیقی انتقاد دارم. عدم همکاری من با تلویزیون علت دارد. زمانی که تلویزیون تصمیم به تولید اثری می‌گیرد، من خواننده را انتخاب می‌کند تا بروم و اثر مورد نظرشان را بخوانم؛ البته اگر آن کار باب سلیقه من باشد. در صورت همکاری خواننده با صدا و سیما اثر می‌رود تا کارشناسی شود. طی این روند شش‌ماه یا هفت، هشت‌ماه دیگر پول خواننده را می‌دهند. این مدل کار کردن چه فایده و بهره‌ای خواهد داشت؟ حال شما حساب کنید تعدادی از آثار تولیدی به مرحله پخش نمی‌شوند و راهی آرشپو می‌شوند.

در نهایت اینکه قاسم افشار با تلویزیون همکاری نخواهد کرد؟
من به دوستان آهنگساز هم گفتم‌ها برای تلویزیون نمی‌خوانم. اما اگر بخوانم، یعنی اگر اثر باب سلیقه‌ام باشد و آن را دوست بدارم و همکاری صورت گیرد، کاری با کارشناسی سازمان ندارم و عدد خودم را می‌گویم. من رقم مورد نظرم را می‌گویم و بولم را می‌گیرم. مگر یک هنرمند قدر بضاعت دارد؟ که بخوانند با او چنین رفتارهایی داشته باشند؟ **شبهه‌های تلویزیونی سالانه سفارش‌هایی دارند و هستند خوانندگانی که پیشنهاد همکاری را می‌پذیرند.**
بله پیشنهاد همکاری می‌دهند و وقتی ما نمی‌خوانیم، سراغ دیگران می‌روند. قاعدتاً هستند افرادی که این نوع همکاری‌ها را قبول کنند.

آیا با مسئولان فرهنگی صحبتی دارید؟

در دوران کرونا همه‌ما اوضاع بدی داشتیم و حال ناخوشایندی را تجربه کردیم و هنرمندان هم برای چندین ماه بیکار بودند. می‌توان گفت نه فقط ما، بلکه تمام مردم دنیا درگیر این مسئله و بحران‌هایش بودند. قاعدتاً حال و احوال من هم از بقیه مستثنی نبوده است. او افزود: اما درباره عملکرد این چالش و فراز و نشیب‌هایش را پشت سر گذاشتیم. بعد این قضیه بلافاصله پس از آرام شدن موج کرونا ما محرم و صفر را در پیش داشتیم.

به شما قول می‌دهم، اگر متولیان موسیقی بخواهند برای نسل ما اجرایی را در نظر بگیرند، این اتفاق به راحتی رخ خواهد داد. اگر متولیان چنین چیزی بخواهند انجام آن قبل انجام و میسر خواهد بود. امیدوارم در بستر موجود جایی هم برای نسل من باشد. ما هنوز هستیم و سرپاییم و زنده‌ایم.

موضوع این است که حل مشکلات کار یک شخص نیست و ایجاد سیاست‌های کلی است که می‌تواند مشکلات موسیقی را تا حدودی حل کند. مدیریت دفتر موسیقی وزارت ارشاد آقای الهیاری یک بار حرف قشنگی زدند. ایشان گفتند من خودم به شرکت‌ها پیشنهاد داده‌ام که با هم‌نسل شما همکاری کنند. آقای الهیاری گفت به شرکت‌ها گفتم‌ها درست است که به این نسل بدهکاری ندارند؛ اما آنها برای موسیقی و سبک پاپ خیلی زحمت کشیده‌اند و شما بخشی از درآمدتان را به آنها بدهید تا از آنها حمایت کرده باشید.

اگر ساز و کار درستی برقرار باشد، این کمترین کار ممکن است.
بله این کمترین کاری است که می‌توان در قبال خوانندگان و موزیسین‌های نسل اول پس از انقلاب انجام

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

با مصادره مفاخر ایران چه چیزی در انتظارمان است؟

از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، عنوان «ثبت آثار و مفاخر؛ عملکرد ملی، راهبرد جهانی» را گرفته است. این پرسش می‌آید که عملکرد ملی برای حفظ و صیانت از مفاخر و مشاهیر ایرانی در این سال‌ها چه بوده و با مصادره مفاخر چه چیزی در انتظار کشور است؟

از این رو، ایسنا با فرهاد نظری – عضو کمیته میراث ناملموس آیسکو و مدیر کل پیشین دفتر ثبت آثار تاریخی – در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی – گفت‌وگو کرد. او معتقد است: عنوان این روز یعنی «ثبت آثار و مفاخر؛ عملکرد ملی، راهبرد جهانی» جذاب است، اما خالی از اشکال نیست؛ چراکه در یونسکو چیزی تحت عنوان «ثبت مفاخر» نداریم. البته ثبت آثار اعم از هم‌نسل‌موس و ناملموس و میراث طبیعی و میراث مستند، رایج و معمول است و چنان‌که گفتیم این رویکرد «عملکرد ملی و راهبردی جهانی» جذاب است.

قاسم افشار (چهارم از چپ) در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های مستند، تهران، ۲۰۱۲

عضو کمیته میراث ناملموس آیسسکو ادامه داد: درباره مصادره آثار که تکلیف روشن است و آثار تاریخی غیرمتقول و میراث طبیعی را نمی‌توان مصادره کرد، چون قابل جابه‌جایی نیست.

مثلاً هیچ کشوری نمی‌تواند «طاق بستان» یا «سرو ابرقو» را به نام خود ثبت کند، چون این‌ها در جغرافیا و مالکیت ایران است. او افزود: اما درباره میراث مستند، وضعیت کمی متفاوت است. هر کشوری که دارنده نسخه یا میراث مستند باشد، می‌تواند آن را در فهرست منطقه‌ای یا جهانی میراث مستند (برنامه حافظه جهانی) ثبت کند. حتی اگر آن اثر قبلاً متعلق به کشوری دیگر بوده باشد و به نحوی به کشور دیگری منتقل شده باشد. به طور مثال ما نسخه نفیسی از «جامع‌التواریخ» را ثبت کردیم که این اثر در هند تولید شده است، اما در همان زمان به ایران آمده و اکنون در کاخ گلستان است.



خوابیدن این کتاب را به چه افرادی پیشنهاد می‌کنید؟
اول از همه به علاقه‌مندان مارترین لوتر کینگ و چهره‌هایی از این نوع که درصدد ساختن فضا و دنیایی جدید هستند. همین طور به کسانی که کتاب‌های سیاسی و ادبی می‌خوانند. ما در این کتاب کلمات و ترکیبات این کتاب، چون کتاب به شکل دوبانه کار شده، می‌تواند به کسانی که درصدد تقویت زبان انگلیسی هستند هم کمک کند. ظاهراً همه را گفتم!

اخبار کوتاه

اصغر رستگار درگذشت

اصغر رستگار، مترجم، در ۷۴ سالگی از دنیا رفت.

یکانه، همسر این مترجم با تأیید این خبر به ایسنا گفت: متأسفانه خیلی ناگهانی شد. مرضی‌ای نداشت. عصر چهارشنبه (بیست و هفتم اردیبهشت‌ماه) ایست قلبی کرد و از دنیا رفت. به گفته او، پیکر رستگار روز سه‌شنبه یا دوشنبه در قطعه نام‌آوران باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده می‌شود و زمان قطعی مراسم فردا مشخص خواهد شد. اصغر رستگار سال ۱۳۲۸ در تهران به دنیا آمد. او در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیت‌های هنری و ادبیی در زمینه‌های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می‌پرداخت و ترجمه را از دوران تحصیل در دانشگاه شروع کرد. رستگار عضو شورای دبیران فصلنامه زنده‌رود بود. کتاب «جنابت و مکافات» با ترجمه او در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال به عنوان کتاب سال برگزیده شد. «در انتظار گودو»، «از غَدَن تا تبعید»، تاریخ حماسی قوم «عهد عتیق»، نوشته دیوید رال. «عیسا» نوشته شارل گن تیر (محقق بزرگ فرانسوی)، پنج نمایشنامه از هنریک ایبسن، «گزارشگر رزاهای نهفت»، «امپراتور و جلیلی» از آثار به‌جامانده از این مترجم است.

برای احمدرضا احمدی دعا کنید

احمدرضا احمدی دوباره در بیمارستان بستری شده است. محسن بوالحسنی، از نزدیکان خانواده احمدی هم‌زمان با سال‌روز تولد ۸۳سالگی این شاعر و نویسنده درباره وضعیت او به ایسنا گفت: ایشان فردای روزی که از بیمارستان مرخص شده، از دوشنبه، ۲۵ اردیبهشت‌ماه، به دلیل شرایط نامناسب جسمی و نارسایی ریه دوباره در بیمارستان بستری شده و در حال حاضر نیز زیر نظر پزشکان در بیمارستان بستر می‌برد. او در توضیح بیشتر درباره وضعیت احمدرضا احمدی بیان کرد: متأسفانه وضعیت جسمانی احمدرضا آن‌چنان مساعد نیست و مغز احمدرضا به‌شدت هوشیار است و هیچ‌گونه ضایعه مغزی می‌توانم در رازروزی تولد آقای احمدی از دوستانداران او و شغرش بخواهم دعا برای بهبود حال شاعر و بازگشتش به خانه است. نکته دیگری که بد نیست به آن اشاره کنم شایعه‌ای است که در خصوص عدم هوشیاری آقای احمدی در برخی صفحه‌های مجازی دست‌به‌دست می‌شود. این شایعه به‌هیچ‌عنوان صحت ندارد و مغز احمدرضا به‌شدت هوشیار است و هیچ‌گونه ضایعه مغزی ندارد و نسبت به پیرامونش کاملاً هوشیار است. شاید بتوان گفت مغز او برخلاف قلب و ریه و… در شرایط بسیار مطلوبی قرار دارد. احمدرضا احمدی، شاعر و نویسنده متولد ۱۳۰۳ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان است. از آثار او در حوزه شعر می‌توان به «دفترهای واپسین»، «دفترهای سالخوردگی»، «نزار اقاقلی در چشمان تو هیچ بود» و «روزی برای تو خواهم گفت» و از آثار او در حوزه کودک و نوجوان می‌توان به «دیگر در خانه پسرک هفت صندلی بود»، «دخترک ماهی تنهایی» و «مزرعه گل‌های افتابگردان» اشاره کرد.

وحید آقاپور در یک دادگاه فرضی

«هی صورت فلکی» عنوان یکی از تازه ترین آثار نمایشی تئاتر شهر است که از خرداد ماه سال ۱۴۰۲ به کارگردانی مریم باقری در تالار چهارسو مجموعه روی صحنه می رود. به گزارش تئاتر شهر، نمایش کمدی «هی صورت فلکی» عنوان یکی از آثار نمایشی جدید مجموعه تئاتر شهر است که از اوایل خرداد ماه سال جاری به نویسندگی نیاز اسماعیل پور و کارگردانی مریم باقری در تالار چهار میزبان عاقله نشان تئاتر خواهد بود. «هی صورت فلکی» نمایشی کمدی است که فضای روایی آن، در یک دادگاه فرضی و قصه ادب‌هایی می‌گذرد که برای فرار از ناامی‌ها و سرخوردگی های خود به عمل های زیبایی پناه برده‌اند. وحید آقاپور، الهه پورجمشیدی، نادیا فرجی، بهداد قادری، آیلاز نوشهری، حمید سبغلی، یاسمن عطااللهی، علیرضا مصلحی، ارشیا نصیرنیا، محبویه نورداد و امیرغفرارش منش به عنوان بازیگر حضور دارند.

معرفی میراث فرهنگی به کودکان با ساخت کارتون

سری پنجم از مجموعه پویانمایی «موزه» در ۲۶ قسمت برای پخش از تلویزیون آماده شدن. به گزارش ایسنا پویانمایی «موزه» با تکنیک استاپ موشن از تولیدات جدید مرکز پویانمایی صیانت که به تهیه‌کنندگی نادر یغلیانیان و کارگردانی مشترک بهروز و آبتین یغلیانیان، ساخته می‌شود. این مجموعه پویانمایی که تاکنون پنج فصل آن ساخته شده با هدف معرفی میراث فرهنگی ایران و هنرمندان ایرانی به کودکان تولید می‌شود. قرار است به‌زودی فصل پنجم این مجموعه پویانمایی از تلویزیون در ۲۶ قسمت پخش شود.

راهبایی «ابوالهول» به یک جشنواره در آلبانی

«ابوالهول» ساخته حمید یوسفی به یک جشنواره در آلبانی راه پیدا کرد. به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی فیلم، «ابوالهول» آخرین ساخته حمید یوسفی است که با کارگردانی حمید یوسفی به جشنواره بین‌المللی فیلم یغلیانیان و کارگردانی مشترک بهروز و آبتین یغلیانیان، ساخته می‌شود. این مجموعه پویانمایی که تاکنون پنج فصل آن ساخته شده با هدف معرفی میراث فرهنگی ایران و هنرمندان ایرانی به کودکان تولید می‌شود. قرار است به‌زودی فصل پنجم این مجموعه پویانمایی از تلویزیون در ۲۶ قسمت پخش شود.

راهبایی «ابوالهول» به یک جشنواره جهانی را جابه‌جا کرد

در جریان حراجی اخیر آثار هنر معاصر «ساتبیز»، مجسمه مشهور عنکبوت عظیم رکورد جدیدی را برای هنرمند سلازنده او به ثبت رساند. به گزارش ایسنا و به نقل از سی ان ان، با برگزاری حراجی آثار هنر معاصر «ساتبیز» در مجموع ۱۷۵۸ میلیون دلار با فروش ۶۶ اثر هنری حاصل شد و رکورد جدیدی برای چندین هنرمند از جمله «لوتیز بورژوا» خالق مجسمه عنکبوت عظیم به ثبت رسید. مجسمه غول‌پیکر بزرگی «عنکبوت» اثر «لوتیز بورژوا» که یکی از ۶ مجسمه ساخته سال ۱۹۹۶ این هنرمند است به قیمت ۳۲۸ میلیون دلار فروخته شد و علاوه بر رکورد آثار فروخته شده «بورژوا»، رکورد گرانترین مجسمه ساخته یک هنرمند زن را نیز شکست. آثار مجموعه مجسمه‌های عنکبوت ساخته «بورژوا» در بسیاری از موزه‌های برجسته جهان از جمله موزه گوگنهایم، گالری ملی کانادا و تیت مدرن در لندن به نمایش گذاشته شده‌اند، اما تنها چهار اثر عنکبوتی این هنرمند فرانسوی-آمریکایی تا به حال در حراجی ارائه شده است. در ماه مه ۲۰۱۹، یکی دیگر از این

مجسمه‌های عنکبوتی به قیمت ۳۲.۱ میلیون دلار در حراجی کریستی در نیویورک فروخته شد، با این حال رکورد گران‌ترین اثر هنری یک هنرمند زن همچنان به «جورجینا اوکیف» تعلق دارد؛ چراکه تابلو نقاشی «تاتوره» این هنرمند در سال ۲۰۱۴ به قیمت ۴۴۴ میلیون دلار فروخته شد. «لوتیز بورژوا» که در سال ۲۰۱۰ و در سن ۹۸سالگی درگذشت، نخستین‌بار خلق مجموعه آثار هنری با موضوع عنکبوت را در دهه هشتم زندگی خود آغاز کرد، اما این مجسمه‌های عظیم به مشهورترین آثار هنری کارنامه او تبدیل شدند.

اثر هنری هوش مصنوعی روی جلد کتاب رفت

انتشارات «پلومزبری» آذغان دارد که از اثر هنری تولیدشده توسط هوش مصنوعی برای رمان «سارا جی ماس» استفاده کرده است. به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، انتشارات «پلومزبری» اعلام کرد که بی‌آنکه اطلاع داشته باشد از تصویری بر روی جلد یکی از کتاب‌های «سارا جی ماس»، نویسنده رمان‌های تخیلی استفاده کرده که توسط هوش مصنوعی خلق شده است. به گفته «پلومزبری» جلد روی کتاب «خانه آدمن و خون» که یک گرگ را به تصویر می‌کشند، از طریقی پلنفرم «Adobe Stock» ارائه شده است. براساس گزارش وبسایت خبری «ورج»، تصویر روی جلد این کتاب توسط کاربری در «Adobe Stock» ارائه شده که این اثر را به عنوان تصویر خلق شده توسط هوش مصنوعی معرفی کرده است. شماری از تصویرگران و هواداران به استفاده از تصویر تولیدشده توسط هوش مصنوعی بر روی جلد این کتاب انتقاد کرده‌اند، اما «پلومزبری» اعلام کرده که از خلق این تصویر اطلاعی نداشته است.